



مگر...؟!!

باکس‌های شهرزاد با ۳۰۰ صندلی و استقبالی که در جذب مخاطب تئاتری دارد اعجاب‌انگیز است، من برای اجرای نمایش «مستخدم» هیچ تبلیغات خاصی نداشتم اما به دلیل فروش ویژه و همیشگی که مجموعه شهرزاد در سایت تیوال و ... دارد تا حدودی اجرای نمایش از نظر بازگشت هزینه و حتی سود دهی بیمه شده بود و این به خاطر رفت و آمد زیاد مخاطب به شهرزاد است. از نظر من دوستانی که مدعی‌اند هزینه اجاره سالن شهرزاد کمر هنرمند را شکسته به بی‌فکری آنان بر می‌گردد چرا که مجموعه‌های خصوصی به طور کلی از همان آغاز شرایط اجاره سالن را در قرارداد عنوان می‌کنند با این وجود چرا هنرمند با توجه به نمایشی که در دست اجرا دارد قراردادی را امضا می‌کند که به ضررش تمام شود؟! بله نمونه‌ای را در شهرزاد شاهد بودم از یک کارگردان تازه کار و نمایشی که در شهرزاد به روی صحنه برده بود، نمایش او هر شب تنها یک بلیت می‌فروخت و حالا با این نمایش معلوم الحال باید اجاره سالن هم می‌داد، او ادعا می‌کرد که قاسم کمر او را شکسته! در این اتفاق واضح است که مشکل از کجاست، چرا که از نظر من در هیچ زمانی اثر هنری خوب بازاری زمین نمانده است.

اینکه مجموعه شهرزاد غیر فعال شده است را چطور ارزیابی می‌کنید؟

از نظر من به طور کلی بسته شدن افتضاح است. با این وجود به نظر می‌آید مشکل تنها شهرزاد نیست! مشکل از سیستم است که ربطی به قاسم جعفری هم ندارد. کار آخر من مونولوگی بود که امیرمهدی زوله بازیگر آن بود ما حدود ۴۰ جلسه برای آماده شدن این نمایش تمرین کرده بودیم در همان ابتدا ۴ مرتبه نمایشنامه با ادبیاتی به شدت توهین آمیز رد شد، در کل ایرادهایی که از این نمایشنامه گرفتند کاملاً مغرضانه بود و اصلاحات آن شامل کل نمایش می‌شد نه قسمت‌های از آن! دست آخر هم واضح بود که مشکل‌شان با خود قاسم جعفری است و به دنبال بهانه‌تراشی هستند آن هم در زمانی که کلیه برنامه‌ریزی‌های کار انجام شده بود و حتی تاریخ اجرا را هم مشخص کرده بودیم، اما متأسفانه دوستان مرکز هنرهای نمایشی حتی برای بازبینی کار با ما همکاری نکردند. در همان تایم همایون غنی زاده نیز نمایش «چاه باز کن» را برای اجرا داشت که آن هم رد شد. در این شرایط سالن‌دار چکار باید بکند؟ متأسفانه بروکرسی اداری توری تو را گیر می‌اندازد که ناگزیر به کار نکردن می‌شوی؟

نتواند نفس بکشد مشخصاً از بین می‌رود. البته که من به عنوان یک کارگردان تئاتر دوست دارم در سالن دولتی با درصد کمتر کار کنم! اما با تجربه‌ای که از اجرای نمایش «کافه عاشقی» در فرهنگسرای نیاوران داشتم ترجیح می‌دهم برای آرامش خودم و حفظ اثرم به سالن خصوصی بروم و درصد بیشتری بپردازم. مدیران مراکز دولتی عمدتاً به دنبال اثری هستند که باب طبع مدیران بالادستی‌شان باشد نه مردم! در مجموع هیچ‌گاه دولت مستقیم به هنرمند نمی‌گویند کار نکن بلکه آنقدر شرایط را برای هنرمند سخت کرده و او را در تنگنا قرار می‌دهند که هنرمند را به این نتیجه برسانند که اگر کار نکند بهتر است. این سیاست دولت در برابر هنرمندان و دسته‌بندی آن‌ها به دو قسمت که عده‌ای کار کنند و عده‌ای کار نکنند بسیار فلج‌کننده است. در این شرایط برخی مفتخر به این عنوان هستند که ممنوع‌الکار هستند و کار نمی‌کنند، عده‌ای هم وجود دارند مانند بنده که ممنوع‌الکار نیستیم اما اجازه کار کردن هم ندارم.

تجربه‌ای که مجموعه شهرزاد داشته‌اید چطور بود؟

همکاری مجموعه شهرزاد با نمایش «کافه عاشقی» خوب بود و به یاد دارم که در چند مرتبه‌ای که مرکز هنرهای نمایشی، اصلاحاتی را برای نمایش منظور می‌کرد، قاسم جعفری سعی کرد مشکل را به نفع گروه اجرایی کافه عاشقی حل و فصل کند.

سهند خیرآبادی:

در بروکرسی اداری گیرت می‌اندازند

از اجرا در مجموعه شهرزاد بگوئید؟

من از تجربه اجرایی که در مجموعه شهرزاد داشتم بسیار راضی بودم و به طور کلی قاسم هوای هنرمند را داشت و در تمامی طول مدتی که بنده نمایش «مستخدم» را در این مجموعه روی صحنه داشتم از جانبداری‌ایی که مدیر این مجموعه از هنرمند داشت بسیار راضی بودم.

آیا بهای اجاره سالن گروه را تحت فشار گذاشت؟

از نظر من مجموعه شهرزاد امکانات و امتیازاتی را از همان آغاز به هنرمند می‌دهد که بقیه سالن‌ها آن را ندارند، پس به تبع آن طبیعی است که وقتی از امکاناتی استفاده می‌کنید بهای آن را بپردازید. بلکه

هم در حال اجاراست و برخی دیگر نیز در پروسه اخذ مجوز هستند. شهرزاد در سال گذشته بیشترین مجوز را برای اجرا از مرکز هنرهای نمایشی گرفته است که اتفاقاً نشان دهنده همکاری شدید مرکز با این مجموعه است، حالا اگر به هر دلیلی شورای نظارت با اجرای چند نمایشنامه موافق نباشد این به معنی کارشکنی است؟ من نمی‌دانم چرا در این شرایط از بیش ۱۰۰ نمایشی که مجوز گرفته و اجرا شده‌اند حرفی به میان نمی‌آید! به نظر من بهتر است منصفانه قضاوت کنیم و اگر قرار است عملکرد یک مرکز و یا سازمان را بسنجیم فقط به نقاطی که به ضرر ماست اشاره نکنیم چنانچه شهرزاد ۱۰۰ متن نمایشی می‌فرستاد و تنها با اجرای ۲ الی ۳ تا از آن‌ها موافقت می‌شد می‌توانستیم از این شرایط شاکی باشیم اما وقتی تعداد آثار مجوز نگرفته خیلی کمتر از آثاری است که مجوز گرفته و روی صحنه رفته‌اند، به نظر من این برداشت‌ها یک طرفه به قاضی رفتن است.

جلال‌الدین دری:

مدیران به دنبال جذب نظر بالادستی‌ها هستند نه مردم! اتفاقی که برای مجموعه شهرزاد افتاده است و منجر به تعطیلی آن شد، اولین تعطیلی نیست و آخرین هم نخواهد بود. با روند سیاست‌گذاری که وزارت فرهنگ و ارشاد پیش گرفته، بسیاری از مجموعه‌داران و هنرمندان را بیکار خواهند شد. سیاست‌گذاری که در حال حاضر در فضای فرهنگی و هنری ایران حکمفرماست بیشتر جانبداری از مجموعه‌ها و آثار سفارشی است. در این رویه مطمئناً آثار مستقل‌اتم از تئاتر، سینما و ... محکوم به بیکاری و شکست خواهند بود. این مسئله بیشتر از همه در تلویزیون خود را نشان داده است در شرایط حاضر من ۵ متن سریال تصویب شده در تلویزیون دارم و با وجود آنکه قرارداد آن بسته و پول آن‌ها هم پرداخت شده است برای ساخت در بروکرسی اداری تلویزیون رد شده است! از نظر من این یعنی حذف آدم‌ها و انحصاری شدن سازمان برای عده‌ای خاص. متأسفانه در نمایش خانگی هم شاهد همین رویه هستیم همان‌طور که از زمانی که صنعت سینما دچار رکود شد همان آدم‌ها با همان روند مافیایی نمایش خانگی را در دست گرفتند. در حال حاضر هم اگر شاهد هستیم هنوز برخی پیشکسوتان در تئاتر باقی مانده‌اند به این دلیل است که تئاتر هنوز کاملاً انحصاری نشده است و احتمال این می‌رود که با سیاست‌گذاری جدید دولت در مراحل بعد این دوستان هم حذف شوند. وقتی برای تئاتر مستقل فضایی درست شود که